روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۲۶۰
۹ مهر ماه ۱۴۰۲ / با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname



**حدیث روز**

امام علی علیه السلام :

إنَّ مَن غَرَّتهُ الدُّنیا بِمُحالِ الآمالِ، وخَدَعَتهُ بِزورِ الأَمانِیِّ؛ أورَثَتهُ کَمَهاً، وأَلبَستهُ عَمیً، وقَطَعَتهُ عَنِ الأُخری، وأَوردَتهُ مَوارِدَ الرَّدی.

کسی که دنیا او را با آمال مُحال، فریفته و با آرزوهای دروغین، فریب داده، میراث بی‌بینشی برایش برجا گذاشته و [جامه] کوری بر او پوشانده و از آخرت محرومش ساخته و او را به جایگاه‌های هلاکت و تباهی می‌آورد.

# همه حرف‌ها درباره ۲۴ سال عقب ماندن

در نشست ثبت جهانی کاروانسراهای ایرانی و دستاوردهای آن گفته شد: ایران ۲۴ سال از ثبت‌های جهانی است. ثبت‌های زنجیره‌ای مثل «کاروانسرای ایرانی» این عقب‌ماندگی را جبران می‌کند. در الواح باروی تخت جمشید که بخشی از آن‌ها به تازگی به ایران بازگشته، از ایستگاه‌های بین‌راهی، هزینه سفر و مواجب و جیره چهارپایان نوشته شده که نشان می‌دهد موضوع مسافرت و کاروانسرا در ایران بیش از ۲۵۰۰ سال سابقه دارد.

رسول وطن‌دوست، رئیس گروه حفاظت و مرمت ایکوم، پیشکسوت و چهره ماندگار میراث فرهنگی، بنیان‌گذار پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی و نماینده ایران در چهل‌وپنجمین کمیته میراث جهانی یونسکو که از دو پرونده کاروانسراها و ماسوله دفاع کرد، در نشست ثبت جهانی کاروانسراهای ایرانی و دستاوردهای آن که سه‌شنبه چهارم مهرماه در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد، درباره وضعیت ایران در ثبت جهانی گفت: از سال ۱۹۷۲ میلادی که کنوانسیون میراث جهانی تصویب شد تا امروز، کشور ایران بالا و پایین زیادی در حوزه ثبت جهانی آثار داشت. در سال ۱۳۵۱ خورشیدی مرحوم دکتر فیروز باقرزاده یکی از بانیان این کنوانسیون بود. افراد دیگری هم نقش داشتند از جمله فریدون اردلان، محسن فروغی و چنگیز پهلوان که در شروع کار کنوانسیون زحمت زیادی کشیدند. ایران در ابتدای کار به این کنوانسیون پیوست، اما چند سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۴ میلادی کمیته میراث جهانی تشکیل شد.

۲۴ سال غفلت از ثبت‌های جهانی

او ادامه داد: در سال ۱۳۵۷ و در بحبوحه انقلاب، سه اثر ایران در فهرست میراث جهانی ثبت شد، از جمله چغازنبیل، تخت‌جمشید و میدان نقش جهان اصفهان که دکتر شهریار عدل و فیروز باقرزاده برای ثبت این آثار در قاهره مصر تلاش زیادی کردند. از آن زمان تا سال ۱۳۸۲ در ثبت غفلت کردیم. در آن ۲۴ سال همه کشورها به دلیل نبود محدودیت در تعداد ثبت، ده‌ها و صدها اثر خود را ثبت جهانی کردند، ازجمله ایتالیا که مثلا شهر ونیز را ثبت کرد که ده‌ها اثر در داخل خود دارد.

وطن‌دوست گفت: البته آن غفلت ۲۴ ساله دلایل متعددی داشت، از جمله جنگ، ولی غافل هم بودیم. در سال ۱۳۸۲ با آمدن آقای بهشتی روح تازه‌ای در ثبت دمیده شد و تخت سلیمان اثری بود که در آن سال اجلاس پاریس ثبت شد و از آن سال به بعد در این حوزه فعال بودیم.

این پژوهشگر میراث فرهنگی افزود: در سال ۱۹۷۹ میلادی یونسکو و کمیته میراث جهانی محدودیتی برای ثبت آثار ایجاد کردند و کشورها را از معرفی تعداد بیشتری آثار منع کردند و قرار شد هر کشور دو اثر ثبت کند تا اکنون که سهمیه هر کشور به یک اثر در سال رسیده است.

او در ادامه اظهاراتش به برخی شبهه‌ها و ابهام‌های مطرح شده درباره ثبت آثار پرداخت و اظهار کرد: گاهی این شبهه پیش می‌آید که با آمدن ارزیاب یونسکو بخش عمده مشکل پرونده حل می‌شود، درحالی‌که این طور نیست و فرایند ثبت بسیار طولانی است و در نهایت کمیته میراث جهانی باید درباره آن تصمیم بگیرد. یک عبارتی را در کمیته میراث جهانی به کار می‌برند که به آن 5C گفته می‌شود که مقصود ثبت را تا حدود زیادی در دنیا مشخص می‌کند که حفظ اعتبار و مورد قبول بودن کنوانسیون از جمله آن است؛ چرا که اعتبار کنوانسیون در برخی موارد زیر سوال رفته است. برخی از آثاری که ثبت شده‌اند و تعدادشان به بیش از یک‌هزار اثر می‌رسد، دارای ارزش برجسته جهانی نبوده‌اند، اما ثبت شده‌اند و برخی دیگر دارای ارزش برجسته جهانی بوده‌اند، ولی به دلایلی ثبت نشده‌اند، از همین رو اعتبار کنوانسیون زیر سؤال رفته که در تلاش برای بازگردان و محافظت از آن است.

رئیس گروه حفاظت و مرمت ایکوم یادآور شد: اطمینان، ظرفیت‌سازی و افزایش آگاهی و ایجاد ارتباط بین جامعه جهانی از طریق ثبت و کمک به اعتلای جوامع محلی از دیگر اهداف اصلی کمیته میراث جهانی در ثبت آثار است.

سهم ایران از ثبت‌های جهانی چقدر است؟

او سپس درباره وضعیت جهانی ایران در ثبت آثار اظهار کرد: تا امروز نزدیک به ۱۱۹۹ اثر ثبت جهانی شده‌اند که سهم قاره آفریقا درحالی‌که ۳۶ کشور به ثبت آثارشان اقدام کرده‌اند ۸.۹ درصد بوده است. کشورهای عرب نیز با ثبت ۸۴ اثر سهمشان ۷.۷۶ درصد بوده، سهم آسیا و پاسیفیک، که ایران هم جزء این منطقه است، با ثبت ۲۰۵ اثر فرهنگی، ۷۲ طبیعی و ۱۲ اثر مختلط، ۲۴ درصد بوده و اروپا و آمریکای شمالی نیز با ثبت ۴۶۵ اثر ۴۷ درصد سهم داشته و آمریکای لاتین نیز ۱۴۹ اثر را ثبت کرده است که بیشترین سهم آثار ثبت جهانی‌شده به اروپا و آمریکا تعلق دارد. کشورهای این دو منطقه در سال‌هایی که یونسکو محدودیتی نداشت تا جایی که توانستند آثارشان را ثبت کردند و ما جا ماندیم، درحالی‌که ایران جزء کشورهای اصلی حوزه میراث فرهنگی در دنیاست و از جهت کمی شاید نخستین باشد، اما سهم ما در میراث جهانی بسیار بسیار اندک است، درحالی‌که باید در خط اول می‌بودیم.

وطن‌دوست گفت: ما اگر در آن ۲۴ سال بافت تاریخی شهرهای کاشان، اصفهان و بسیاری از آثار را ثبت می‌کردیم بسیاری از مشکلات امروز را نداشتیم. اکنون باید تلاش‌مان را بیشتر کنیم و به سمت ثبت آثار زنجیره‌ای برویم، با این رویه تعداد آثار بیشتری را می‌توانیم ثبت کنیم و تحت حفاظت قانونی قرار دهیم و به عنوان مقصد پژوهشی و گردشگری جهان قرار دهیم. سابقه سفر و ایستگاه‌های بین‌راهی در ایران به ۲۵۰۰ سال می‌رسد

جبرئیل نوکنده ـ باستان‌شناس و مدیر موزه ملی ایران ـ نیز در این نشست با قدردانی از تمام کسانی که در تدوین و ثبت پرونده کاروانسراهای ایرانی نقش داشتند، گفت: تقارن ثبت کاروانسراهای ایرانی با ورود الواح باروی تخت جمشید مناسب بود؛ چراکه در اسناد و الواح باروی تخت جمشید متن‌هایی را می‌بینید که درباره ایستگاه‌های بین‌راهی، هزینه سفر و مواجب چهارپایان است. این اطلاعات نشان می‌دهد موضوع مسافرت و کاروانسرا در ایران بیش از ۲۵۰۰ سال سابقه دارد؛ اینکه چرا با این سابقه در گردشگری فعال نیستیم محل پرسش است. این باستان‌شناس همچنین متذکر شد با ثبت کاروانسراهای ایرانی فقط به مرمت کالبد آن‌ها بسنده نشود و برای هر یک از آن‌ها به عنوان یک سایت موزه برنامه داشته باشیم

نوکنده افزود: ما یک‌بیستم کاروانسراها را در فهرست میراث جهانی ثبت کرده‌ایم که مشتی از خروار است، باید برای بقیه هم برنامه داشته باشیم.

او این پرسش‌ها را مطرح کرد که اگر آقای «ولفرام کلایس» از موسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران و مرحوم «محمدیوسف کیانی» کتاب کاروانسراهای ایران را چاپ نمی‌کردند و ارتباطی با این مؤسسه نداشتیم، اطلاعات کاروانسراها چگونه به دست می‌آمد؟ آیا بعد از آن ما به اندازه آن کتاب، اطلاعات کاروانسراها را جمع‌آوری کرده بودیم؟ آیا نباید روابطمان را با مراکز آموزشی و دانشی جهان حفظ کنیم؟ و در ادامه تاکید کرد: ما حتما باید با مؤسسه‌های تحقیقاتی دنیا ارتباط برقرار کنیم. آن‌ها سنگرهای ما هستند. آن‌ها را از دست ندهیم.

# قدم‌های «بیمه» هنرمندان صنایع دستی درجاست؟

صنایع دستی به عنوان یکی از غنی‌ترین هنرهای ایران زمین، هنوز در رسیدگی به موضوع «بیمه» به عنوان الفبای ابتدایی این جامعه چند هزارنفره درجا می‌زند؛ این در حالی است که انتظار می‌رود با حل مشکلات اینچنین برای این هنر سنتی چندهزارساله، اهداف و مطالباتی در افق دیدی گسترده‌تر در نظر گرفت.

صنایع دستی به‌خصوص از دوران کرونا به بعد هنوز به ایستادنِ کامل روی پای خود موفق نشده است. از همان زمان که ویروس مرگبار کرونا این هنر را تحت تاثیر قرار داد و چراغ بسیاری از کارگاه‌ها را خاموش کرد تا امروز که هزینه سرسام‌آور ورود مواد اولیه گریبان‌گیر فعالان این حوزه شده است، معضلات همچنان پیش پای هنرمندان صنایع دستی است.

در چنین شرایطی حوزه بکر فعالیت هنرمندان صنایع دستی، این روزها بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریت و همراهی کارشناسان مجرب است. پیگیری مطالبات هنرمندان صنایع دستی در این سال‌ها گاه به صورت پراکنده مقصد متولیان امر بوده اما ماحصل تلاش‌ها حاکی از آن است که بالغ بر ۵۲۰ هزار هنرمند ایرانی، هنوز احتیاجاتی دارند که همچنان با نیم‌نگاه مدیران این حوزه رفع نشده است.

فعالان و هنرمندان صنایع دستی در ایران، اغلب این سوال را در ذهن داشته‌اند که هنرشان در کدامین مرتبه از صنایع دنیا قرار گرفته است؟ آنها همچنین بر این موضوع تاکید دارند که هنوز شناخت دقیقی از عرصه فعالیت هنرمندان حوزه صنایع دستی و جایگاه آن در میان سایر کشورها ـ چه از سوی مدیران و چه از سوی مطالبه‌گران این حوزه ـ صورت نگرفته است.

و البته همین امر، فقدان شناختی دقیق از جایگاه صنایع دستی را موجب شده و برخی تعابیر و موضع‌گیری‌ها را بعضا بر اساس خیال رقم زده است. اما اگر کمی به عقب برگردیم، آیا در ابتدای امر بستر مناسب آموزش و پرورش برای شکل‌گیری خلاقیت و رسیدن به نوآوری و اعتلای جایگاه صنایع دستی در سطح کشور به وجود آمده است؟

در شکل ایده‌آل انتظار می‌رود حوزه صنایع دستی و تولیدات مرتبط با آن، کلید حل بسیاری از انسدادهای اقتصادی باشند؛ این در حالی است که طبق سخن کارشناسان و آمار منتشرشده، در حال حاضر فاصله‌ی قابل توجهی با کشورهایی مانند چین، ترکیه و حتی کشورهای آسیای جنوب شرقی در این منظر وجود دارد.

برخی کارشناسان صنایع‌دستی با تاکید بر مشکلات حوزه تولید، بر این باورند که برخلاف آنچه که بر سر زبان فعالان این حوزه است، صنایع دستی مشکل فروش ندارد و بیشتر در زمینه تولید دچار چالش است؛ در حقیقت مشکلاتی که در فرآیند شکل‌گیری اولیه محصول تا ارائه آن ایجاد می‌شود.

آنها بر این باورند که با گذر زمان، تحولی در معنای صنایع دستی به وجود آمده است. به‌زعم این افراد صنایع دستی در گذشته بخشی از زندگی روزمره را شکل می‌داده و صنعتگر، هم هنرمند بوده است و هم خالق؛ این در حالی است که اگر صنایع دستی وجه کاربردی خود را حفظ کرده بود، در نهایت به سوی نابودی می‌رفت، اما حالا در دنیای امروز دو بخش تولیدمحور صنایع دستی و بخش فرهنگ و نهادمحور آن از یکدیگر تفکیک نشده‌اند و در حقیقت به بخش نهادمحور آن کم‌توجهی شده است.

کارشناسان از زاویه‌ای دیگر معتقدند که هنرمندانِ کمی هستند که به سراغ بخش نهادمحورِ صنایع دستی رفته و اغلب هنرمندان به فکر مسئله فروش هستند.

پژوهشگران صنایع دستی گاه در نظراتی متفاوت، اظهار کرده‌اند که سطح مطالبات هنرمندان این حوزه محدود به دریافت غرفه‌های رایگان، برگزاری نمایشگاه‌ها و فروش آثار شده است؛ در حالی که با گسترده‌تر شدن افق دید و حضور تئوریسین‌ها در زمینه صنایع‌دستی، می‌توان به مطالبات این حوزه جهت داد.

اما در میان مطالباتی که هنرمندان حوزه صنایع دستی همواره به آن پرداخته‌اند، مسئله «بیمه» یکی از جدی‌ترین‌هاست؛ معضلی پررنگ که جملگی بر سر آن توافق دارند. هرچند در این میان هستند عده‌ای هم که این موضوع را مهم‌ترین تلقی نمی‌کنند و معتقدند اگر چه «بیمه» مسئله‌ای مهم در حوزه صنایع دستی است اما مهم‌ترین چالش حوزه صنایع دستی نبوده و فقدان شناخت دقیق از نیازهای این حوزه، موجب شده است تا تاکید اغلب اعضای این جامعه بر «بیمه» باشد.

با این همه برای اغلب هنرمندان حوزه صنایع دستی که در سنین میانسالی هم به سر می‌برند، «بیمه» قله‌ای فتح نشده است که دسترسی به آن سخت و با سدهای اساسی چون محدودیت سنی، رویایی بی‌سرانجام به نظر می‌رسد. با این همه و به‌رغم اختلاف نظرها میان برخی سازمان‌ها، مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی همچنان در پی رفع این مشکل هستند که یکی از این راهکارها استفاده از بیمه‌های مختلف بر اساس نیاز هنرمندان عنوان شده است.

چنانچه در میان آخرین اطلاعاتی که ارائه شد، مریم جلالی معاون صنایع دستی اواخر خرداد ماه امسال در مطلبی از اضافه شدن ۱۰ هزار نفر از هنرمندان صنایع دستی به جمع بیمه شدگان خبر داد و تعداد آنان را در مجموع ۵۰ هزار نفر عنوان کرد. ضمن اینکه ایجاد تشکل‌های مردمی با هدف ساماندهی هلدینگ‌های صنایع دستی از جمله راهکارها عنوان شده است. جلالی همچنین گفته است که لیست این ۱۰ هزار نفر به سازمان برنامه و بودجه و تامین اجتماعی معرفی شده است، معاون اول رییس جمهور هم ردیف اعتباری را دستور داده است. البته با در نظر گرفتن این مسئله که بیمه هنرمندان صنایع دستی مدتی است در دست رسیدگی است اما نتیجه مطلوب، قطعی و مورد نظر تعداد کثیری از اعضای این جامعه را در پی نداشته است، به نظر می‌رسد که مسئولان این عرصه و فعالان باید با جدیت بیشتری به موضوع بیمه هنرمندان صنایع دستی ورود کرده و راهکار مطمئنی به منظور تامین اعتبارات لازم برای بیمه هنرمندان صنایع دستی ارائه کنند.

از سوی دیگر از آن‌جا که موضوع بیمه هنرمندان صنایع دستی از نظر برخی فعالان این حوزه به عنوان مبحثی کلیشه‌ای مطرح می‌شود که تنها با موضوع تامین اعتبارات قابل حل خواهد بود، به نظر می‌رسد که پرداختن جدی‌تر به موضوع راستی‌آزمایی جامعه هنرمندان صنایع‌دستی، افق دید گسترده‌تر و مسیر راه شفاف‌تری را ترسیم خواهد کرد.

# امضاهای طلایی را از میراث فرهنگی حذف کرده‌ایم

قائم مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: امضاهای طلایی و انحصار را در میراث فرهنگی و ثبت آثار حذف کرده‌ایم.

علی دارابی، معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نشست «ثبت جهانی کاوانسراهای ایرانی و دستاوردهای آن» که سه‌شنبه چهارم مهرماه در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به مناسبت ثبت ۵۴ کاروانسرای ایرانی در یونسکو، برگزار شد، گفت: با ثبت ۵۴ کاروانسرا تعداد پرونده‌های ثبتی ایران به ۲۷ اثر افزایش یافت. البته تعداد سایت‌های جهانی ایران به ۱۰۴ سایت رسیده است.

او با اشاره به پرونده ماسوله که در اجلاس امسال یونسکو دیفر شد، گفت: آن پرونده در مراحل اولیه ایرادهای جدی داشت، اما با پیگیری‌های جدی، سهمیه ایران برای سال آینده محفوظ ماند و در آبان‌ماه کارشناسان ایکوموس جهانی به ایران می‌آیند تا این پرونده تکمیل شود و سال آینده این پرونده در کنار پرونده دیگر ایران برای ثبت جهانی، ارائه می‌شود.

دارابی سپس درباره ویژگی‌های کاروانسراها که حکم جان‌پناه برای مردم زمان خود را داشتند، سخن گفت و افزود: گفتمان و روح حاکم بر کاروانسراها دربرگیرنده این است که فضای فرهنگ و تمدن ایرانی در تمام این کاروانسراها حمایتگر اندیشه و تفکر ایرانیان است، از این حیث وقتی این پرونده مطرح شد با اجماع ۲۱ عضو کمیته میراث جهانی ثبت شد و نزدیک به یک ساعت درباره آن صحبت شد و دقایقی ممتد برای این فرهنگ و پیشینه تاریخی بزرگ دست زدند و ادای احترام و دین کردند.

معاون میراث فرهنگی گفت: در ایران بیش از هزار کاروانسرا داریم که ۷۰۰ کاروانسرا ثبت ملی و ۵۴ کاروانسرا ثبت جهانی شده‌اند که واقعا دست مریزاد دارد.

او سپس از تمام کارشناسانی که برای تهیه این پرونده و حفظ این کاروانسراها تلاش کردند، قدردانی کرد و گفت: کار زیادی برای دو پرونده «کاروانسراهای ایرانی» و «منظر فرهنگی ماسوله» انجام شد و از آقای پورعلی ـ مدیرکل پیشین دفتر ثبت آثار ـ که در جریان این ثبت‌ها، خالصانه و باغیرت به همراه آقای وطن‌دوست تلاش شبانه‌روزی داشتند، قدردانی می‌کنم. خود من بیش از ۲۵ ملاقات با نماینده کشورها در یونسکو داشتم. اداره کل ثبت در دو سال اخیر مکاتبات زیادی درباره این پرونده‌ها داشت.

دارابی ادامه داد: یک سوال مهم که در نزد صاحبنظران، نخبگان، تشکل‌ها و آحاد مردم مطرح است این بود که «فایده ثبت جهانی چیست؟» این مسأله مهمی است که باید برای افکار عمومی تدوین کنیم. او اضافه کرد: ثبت جهانی برای هر جامعه اعتبار است. ثبت جهانی ثروت ملی برای یک ملت و کشور است. هر قدر این اعتبار بیشتر باشد، به همان میزان اعتبار جهانی یک جامعه بالاتر می‌رود. ثبت اثر در یونسکو به مثابه دارایی یک کشور و مملکت محسوب می‌شود و رابطه معناداری میان گسترش توریست و سایت‌های جهانی وجود دارد. ارزش ثبت آثار در یونسکو بار معنایی دارد؛ وقتی یک اثر تاریخی و طبیعی ثبت می‌شود همه بشریت خود را مخاطب حفظ و صیانت از آن اثر می‌دانند، به عبارتی آن اثر دیگر متعلق به آن سرزمین و یک کشور نیست. معاون میراث فرهنگی ادامه داد: فایده دیگر ثبت جهانی این است که در سایه رسانه‌ها با افزایش سواد میراثی، عموم مردم به داشته‌های تمدنی و فرهنگی خود احساس تعلق بیشتر می‌کنند و از سویی سمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد تقویت می‌شوند. آرزو می‌کنم سمن‌ها فارغ از دولت‌ها با قدرت شکل بگیرند و آن‌هایی هم که هستند و تلاش می‌کنند سطح فعالیت کیفی و کمی خود را افزایش دهند.

# روش های خلاقانه تبلیغ آموزه های قرآن و عترت در فضای مجازی

دبیر پژوهشی روزنامه سراج :
دکترمجتبی خندان

قسمت سوم :

اجتماع آنلاین به عنوان شبکه‌ای معنوی اجتماع آنلاین طراحی شده و آغاز شده از جانب خداوند برای اهداف خاص می‌داند. این روایت با این ایده که اینترنت یک کارگاه هویت است، همراهی دارد. اینترنت به عنوان جایی دیده می‌شود که می‌توان در جست و جوی سرنوشت معنوی شخصی بود که می توانند از طریق روایت تجربه مشترک تفسیر شود. این مسأله آرزو برای آزادی و تجربه معنوی را در شبکه اجتماعی که می‌توانند مشترک باشد را برجسته می‌کنند. (عباسی شوازی، ۱۳۹۱، ص ۵۶)

در این میان، استفاده از پتانسیل فضای مجازی در راستای ترویج و اشاعه فرهنگ دینی و به خصوص فرهنگ قرائت، توسط مسلمانان و به خصوص شیعیان مورد غفلت قرار گرفته است. تنوع تولید محصولات در این زمینه بسیار محصور است. با وجود گسترش بی حد و حصر فضای مجازی، تولیدهای نرم افزاری در موضوع قرائت بسیار کم است و کمتر دغدغه‌ای در این زمینه وجود دارد. این موضوع امری اجتناب ناپذیر است که دغدغه جدی متولیان امر را می‌طلبد.

**فرصت‌ها در حوزه مسائل دینی**

بخش قابل ملاحظه‌ای از کاربران فضای مجازی تشکیل شده از دینداران، دین-پژوهان، علمای دینی و رهبران مذهبی هستند. دین برای بهتر زندگی کردن آمده است چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی- پس می‌توان از فرصت‌های فضای مجازی برای دسترسی به اهداف دینی بهره برد.

تحقیقات در مورد دین و فضای مجازی در جامعه ایران در ابتدای راه است و بسیاری از ابعاد این مسأله مهم، هنوز مورد پژوهش قرار نگرفته است که شناخت درست این فضا و نوع استفاده از آن می‌تواند اهداف مثبت و سازنده دین را سریع‌تر و در سطح گسترده‌تری تحقق بخشد.

بیان این نکته لازم است که دین پیش شرط‌ها و قواعد خاص خود را دارد و همه چیز در آن قابل مجازی سازی نیست؛ برای مثال نماز را نمی‌توان مجازی ساخت؛ زیرا نماز تعینی دارد و می بایست در عالم واقع انجام پذیرد. خداوند شرایط خاصی برای نماز جماعت تعیین کرده و باید طبق آن خوانده شود.

با علم به این موضوع و در عین حال، فضای مجازی این ظرفیت را دارد که بتواند بسیاری از مؤلفه‌های اسلامی و الهی را محقق نماید؛ چه اینکه تمامی امور دینی از جنس اعمال فیزیکی نیست. آن وجهی که عملش تکلیف شده، قابلیت مجازی شدن ندارد؛ اما وجهی که احرازش از راه عمل نیست، می‌تواند وارد فضای مجازی شود. در نگاهی کلی، دین دو وجه نظری و عملی دارد؛ وجه نظری را می‌توان شامل باورها، عقاید و جهان بینی دانست و وجه عملی شامل احکام، عبادات، شعائر و مناسک و حتی اخلاقیات است.

به عنوان نمونه، می‌توان متن قرآن، تفسیر قرآن، قرائت های قرآن، انواع متون و منابع دینی را در فضای مجازی بارگزاری کرد و در دسترس طیف وسیعی از افراد قرار داد. (نجفی و واحدی، ۱۳۹۶، ص ۴۴)

**معرفی الگوها در بستر فضای مجازی**

قرآن و عترت اصلی‌ترین ارکان و قویترین عامل هدایت به سوی ارزش‌های الهی است. الگوی عملی تبلیغ کنندگان در این زمینه رسول گرامی اسلام (ص) است که در مناسبت‌های گوناگون و به صورت حساب شده بر قرآن و عترت تأکید می‌نمود و مردم را به پیروی از آن دو توصیه می‌کرد. حدیث متواتر ثقلین که شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، یکی از گواهان بر این مدعا است. ایشان فرمودند: «إنّی تارک فیکُم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فإنّهما بن یفترقا حتّی علیَّ الحوض» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲۳، ص ۱۳۳)

(من دو چیز گرانبها را در میان شما می‌گذارم؛ کتاب خدا و خاندان اهل بیتم. این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من بپیوندند . )

**معرفی الگوها در بستر فضای مجازی**

ایشان در زمینه آموزش قرآن به عنوان یکی از این دو رکن فرمودند:

«خیارُکم مَن تَعَلَّمَ القرآنَ و عَلَّمَهُ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۷۸۵)

(بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران هم یاد دهد.)

شبکه‌های اجتماعی سرشار از سخنان الحادآمیز و گمراه کننده، شبهات و سخنان اختلاف برانگیزی است که عموم مردم از جمله شخص مبلغ را تهدید می‌کند. مبلغ فضای مجازی تنها با استمداد از خود قرآن می‌تواند در عرضه معارف قرآنی در این فضای سراسر خطر موفق باشد و کلام امام علی (ع) را در معرفی قرآن، سرلوحه کار خود قرار میدهد (میرموسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱)؛ آنجا که فرمود ند :

«در قرآن شفای بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر، نفاق و گمراهی است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

گذر زمان و نیاز گسترده به فضای مجازی در ترویج فرهنگ دینی

از ویژگی‌های منحصر به فرد شبکه‌های مجازی، جهانی بودن آن است. هر فرد در هر نقطه از جهان می‌تواند از طریق شبکه‌های مجازی و اجتماعی به سهولت، به اطلاعات در نقطه دیگر از جهان دست پیدا کند. اصولا محصور کردن فضای مجازی و به تبع آن، شبکه‌های مجازی در دایره مرزها دشوار و ناممکن است. برای دستیابی به آخرین کتاب، مقاله یا خبر درباره یک موضوع خاص یا تخصص، کافی است به فضای مجازی رجوع نمود. این اطلاعات در اشکال مختلف از جمله متن، فیلم، عکس یا به صورت چند رسانه‌ای قابل دستیابی است. حال آنکه در دنیای حقیقی، دستیابی به اطلاعاتی از این دست نیازمند صرف زمان و حضور در مکان‌های مختلف است و جمع همه این اطلاعات در یک نقطه اغلب ممکن نیست. به عنوان مثال، در موضوعی خاص لازم است به کتابهای کتابخانه‌ای رجوع نمود و سپس در آرشیو به دنبال عکس‌ها و فیلم‌های مرتبط گشت. این در حالی است که کاربران در این محیط، دوری یا مشکلاتی از این نوع را احساس نمی‌کنند. حتی در بسیاری از مواقع، در نوردیدن مرزهای جغرافیایی به ذهن کاربران خطور نمی‌کند و افراد بدن در نظر گرفتن کشور و جامعه خود، حضور در یک اجتماع بزرگ جهانی را تجربه میکنند؛ فضایی به بزرگی جهانی بدون مرز که به فرد این قابلیت را می‌دهد که بر خلاف محدودیت‌های جهان واقعی به هر کجا که می‌خواهد سفر نموده و هر آنچه می‌خواهد، ببیند.

امروزه شبکه‌های اجتماعی مهد تمدنها و فرهنگ‌های مختلف بشری است. (چمل نژاد و لشکری، ۱۳۹۵، ص ۶) به دلیل زبانهای مختلف، امکان حضور همه افراد در این شبکه‌ها ممکن بوده، به طوری که با در نوردیدن مرزهای انسانی و جغرافیایی، فرهنگ و اطلاعات یک جامعه در معرض دید عموم مردم قرار میگیرد. همخوانی با مدیوم در نحوه گسترش و ترویج فرهنگ قرائت

پیشرفت‌های فنی به وجود آمده در فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی موجب شده ایجاد امکان ارسال و دریافت پیام‌ها و محتواها از فواصل دوردست و کوچک‌تر و ساده‌تر شدن مداوم فناوری‌های دریافت و مصرف شده است. در این راستا تأثیر این فناوریها بر کشورها در مفهوم عام و احزاب سیاسی در مفهوم خاص می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. آمار کاربران اینترنت در جهان در ماه مارس ۲۰۰۸ به عدد ۱۴۰۷۷۲۴۹۲۰ و در فوریه ۲۰۱۳ تعداد کاربران به ۲۷۶۹۵۲۹۱۶۰ رسیده است. (کاشانی و زارع، ۱۳۹۱، ص ۷۸- ۸۴) از نظر هانسن، اشنایدر و اسمیت امروزه شناخت ابزار جدید ارتباطی و هدف این شبکه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک و توییتر، در جهت برقراری ارتباط و توفیق در حراست و پویایی، امری بسیار ضروری است و عدم شناخت ابزارها و چگونگی کاربرد و گستره فعالیت آنها، موجب ناتوانی در جهت معرفی و انجام برنامه‌ها و در نتیجه انفعال خواهد گردید و فقط در چند دهه اخیر میلیاردها نفر با استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی و با اتصال به شبکه‌ای جهان گستر، زندگی‌شان را تغییر داده‌اند. ما از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنیم تا دوستان و خانواده‌مان را به خود نزدیکتر کنیم؛ به همسایگان و هم دانشگاهیهایمان دسترسی یابیم؛ به بازار محصولات و خدمات نیز بخشیم. (هانسن و همکاران، ۲۰۱۱) در این میان شبکه‌های اجتماعی زیر مجموعه رسانه‌های اجتماعی قرار دارد. رسانه‌های اجتماعی مفاهیم کلی هستند که در خلال تکنولوژی‌های جدیدی چون اینترنت، تلفه همراه و شبکه‌های اجتماعی پدید آمده‌ند. شبکه‌های اجتماعی به علت بی مکانی حاکم بر اینترنت بر علایق افراد و گروهها بنیان نهاده شده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی امکان برقراری رابطه و تعامل مستقیم همزمان وجود دارد. (قصابی، ۱۳۹۱، ص ۳۰) مطالعه روابط اجتماعی به آشکاری ساز و کارهایی کمک میکند که تعیین کننده توسعه اجتماعی‌اند و آنها نیز به نوبه خود شرایط استمرار و وقفه و برقراری روابط و نیز تجربه‌های شخصی را که این روابط موجبشان می-شوند، تنظیم می‌کند. (بروگمان، ۱۳۸۹، ص ۱۴)

**همخوانی با مدیوم در نحوه گسترش و ترویج فرهنگ قرائت**

شبکه‌های اجتماعی مجازی تنها ابزارهای تکنولوژیکی جدیدی نیستند که امکانات جالب توجهی را در اختیار کاربران اینترنتی قرار داده باشند. شبکه-های اجتماعی را فراتر از گونه‌ای وبسایت می‌توان به عنوان رسانه‌های جدیدی در نظر گرفت که در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی ایجاد کرده اند. چالش‌های که شبکه های اجتماعی در سالهای اخیر با آنها مواجه بوده اند، حوزه هایی فراتر از فضای مجازی را تحت تأثیر قرار داده است.

اما در توضیح استفاده از بستر فضای مجازی در ترویج علم قرائت باید گفت در این زمینه باید از ابزارهای مناسب و مقتضیات خاصی استفاده کرد تا این استفاده دچار چالش و آسیب نگردد. در راستای آموزش علم قرائت، متناسب با فضای سنی و موقعیتی می‌توان تصمیم گرفت از چه شبکه مجازی استفاده کرد. به عنوان مثال، از شبکه‌های اجتماعی نامناسب برای گروه‌های سنی کمتر از پانزده سال نمی‌توان در راستای آموزش علم قرائت استفاده نمود. بهتر است جهت آموزش به ایشان از پیام رسانه‌های مناسب با سن‌شان و نظیر از اسلایدهای متنوع و تصاویر و فیلم‌های گوناگون در راستای آموزش بهره برد. اما به طور کلی نباید از بستر مناسب فضای مجازی در راستای آموزش صحیح علم قرائت غفلت ورزید.